

شتاب در نوشتن و تحریف تاریخ

بهروز جلیلیان

behrouzan@gmail.com

"در سازمان پیکار نیز ترور و ترور شخصیت رواج داشت. قتل فجیع "شریف واقفی" و ترور نافرجام "صمدیه لباف" نمونه اند. جزییات قتل "محمد یقینی" که گفته شده است در شکنجه و قتل رفیق دیگر سازمانی اش (حمید) دست داشته است، و یا قتل "علی میرزا جعفر الله" و "جواد سعیدی" که ادعا شده است که به دست یا دستور تقی شهرام انجام شده هنوز ناروشن اند."

این چند خطی است که آقای مسعود نقره کار در مقاله خود با عنوان - با یاد منوچهر هلیل رودی درس هایی از ترور و ترور شخصیت "درون تشکیلاتی"، در جنبش چپ ایران - در سایت اخبار روز در آدینه ۸ دی ۱۳۸۵ - ۲۹ دسامبر ۲۰۰۶، منتشر کرده که البته بیشترین مطلب آن در رابطه با عنوان مقاله به سازمان چریک های فدایی خلق ایران و منسوبین به آن قرار دارد. آقای نقره کار پزشک می باشند و با مسائل علمی و تحقیق سر و کار داشته اند و همچنین تا به حال چندین کتاب و از جمله مجموعه تحقیقی "بخشی از تاریخ جنبش روشنفکری ایران" را نیز منتشر کرده اند، در همین چند خط نشان از کم آگاهی و بی اهمیتی برای تحقیق دقیق و به سرانجام رساندن یک اثر را نشان می دهند. برای چند خط بالا به دو منبع - الف: تراب حق شناس، آرش (پاریس) شماره ۷۹ آبان ماه سال ۱۳۸۰ و ب: "تقی شهرام تیرباران شد"، ایرانشهر، شماره ۱۸ (دوره دوم) سوم مرداد ماه سال ۱۳۵۹ - اشاره می کنند، که هر دو کم ارتباط با متن می باشند.

در "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"، که در آذر ماه ۱۳۵۷، با این نام اعلام موجودیت کرد، هیچ کدام از ترور ها و قتل های عنوان شده، روی نداده بود. اساسا یکی از دلایل موجودیت سازمان پیکار همانگونه که در اطلاعیه مهر ۱۳۵۷، و همچنین کتاب، "تحلیلی بر تغییر و تحولات درون سازمان مجاهدین خلق ایران ۵۴-۱۳۵۲، در فروردین ماه ۱۳۵۸ منتشر شد، بر رد و انتقاد بر آن قتل ها و ترور های درون سازمانی بود. برای اولین بار که هیچ کدام از سازمان های سیاسی ایران در آن زمان بدان گونه عمل نکرده بودند، سازمان مجاهدین خلق ایران (بخش منشعب) که کمی بعد تر اکثریت آنان به "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" تغییر نام داد و اعلام موجودیت کرد، به افشای نام افرادی پرداخت که در درون سازمان و بدستور رهبری وقت آن به قتل رسیدند. در این اطلاعیه، به انتقاد از این عمل ها پرداخته و از این افراد اعاده حیثیت کردند. اگر این اطلاعیه رسمی هیچگاه منتشر نمی شد، کمتر کسی می توانست به صحت آنها گواهی دهد. در بخشی از این اعلامیه که به مورد قتل ها پرداخته

"در باره اعدامها: در ارتباط با نگرش غیر طبقاتی و غیر مارکسیستی ما به نیروهای مذهبی و هم چنین گرایشات سلطه طلبانه و چپ روانه سازمان، عده ای از رفقای سازمانی که در جریان تحول ایدئولوژیک، حاضر به پذیرش مارکسیسم نشده و در صدد تشکل گروهی خویش بودند، از سوی رهبری، بعنوان خائن و توطئه گر، اعدام شدند. ما ضمن اینکه «اعدام» را بمثابه یک سیاست و شیوه عمومی، در برخورد با تضادهای درون سازمانی و اختلافات ایدئولوژیک، محکوم می کنیم، اعدام این رفقا را توسط رهبری سازمان، اقدامی ضد انقلابی ارزیابی کرده و آنرا توطئه گرانه و تروریستی میدانیم. بدین ترتیب، اطلاق «خائن» و «توطئه گر» و «اپورتونیست» را به رفقای شهید «مجید شریف واقفی»، «مرتضی صمدیه لباف» و «محمد یقینی» نادرست دانسته و آنها را جزو شهدای انقلابی، محسوب می‌داریم.

لازم بتذکر است که، دو تن دیگر بنامهای «علی میرزا جعفر علاف» و «جواد سعیدی» در سازمان اعدام شده اند. اعدام آنها در این رابطه بوده است که آنها در صدد آن بودند که خود را به رژیم معرفی نموده و نتیجتاً اطلاعات خویش را در اختیار او قرار دهند. گو اینکه تزلزل، وادادگی و سقوط خود این افراد، نقش درجه اول را در دست کشیدن آنها از مبارزه و تسلیم به دشمن داشته است و با وجودی که اطلاعات آنها می توانسته ضربات مشخصی بر سازمان وارد نماید، در عین حال این اعدامها نیز جدای از مسائل، تضادها و تناقضات سازمانی مشی چریکی و دیدگاههای آن نسبت به ادامه کاری و تحکیم تشکیلاتی آن نبوده و از ملزومات این مشی محسوب می شوند. در همین رابطه، ما انتقاد به این موارد اعدام را بخصوص در رابطه مستقیم با مشی چریکی و ملزومات آن قابل توضیح میدانیم."

در این چند خط که آقای نویسنده، به صرف سیاه کردن کاغذ بدان پرداخته، چندین اشتباه دیگر نیز وجود دارد، که موجب تاسف از ناآگاهی چنین محققینی با این همه بی مسئولیتی است. یکی از افراد کشته شده، در متن آقای نقره کار، "علی میرزا جعفر الله"، آورده شده است، که نام درست آن، "علی میرزا جعفر علاف" است که وی برادر همسر محمد تقی شهرام، شهید "فاطمه میرزا جعفر علاف" بود. علت ترور وی بریدن از مبارزه و تهدید به تحویل خود به ساواک عنوان شد، برادر وی اصغر میرزا جعفر علاف، خود را به پلیس معرفی کرد و در بهار ۱۳۵۷ در یک شو تلویزیونی به ستایش رژیم شاه و بد گویی از سازمان مجاهدین خلق پرداخت، و حتی رژیم جمهوری اسلامی از وی به عنوان شاهد در بی دادگاه "محمد تقی شهرام" در تابستان ۱۳۵۹، استفاده کرد. "جواد سعیدی" که نام کامل وی "جواد سعیدی یزدی" بود نیز در پاییز سال ۱۳۵۲، و در دورانی که سازمان مجاهدین هنوز مسلمان بود و تغییر

ایدئولوژی به مارکسیسم در سال ۱۳۵۴، نداده بود، به قتل رسید. وی با تصمیم شهدا رضا رضایی، مجید شریف واقفی و بهرام آرام که مرکزیت سازمان را در آن زمان تشکیل می دادند به مرگ محکوم شده بود. علت این تصمیم نیز تهدید جواد سعیدی به تحویل خود به پلیس اعلام شده است و حتی سازمان مجاهدین خلق ایران در پس از انقلاب هم بنا بر درخواست خانواده وی حاضر به اعاده حیثیت از وی نشدند.

قتل، شهید محمد یقینی، متاسفانه نه بخاطر دلایل بالا، بلکه صرفاً بدیل رقابت تشکیلاتی بود. شهید محمد یقینی پس از تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق ایران به مارکسیسم، همچنان در این سازمان به فعالیت پرداخت. در پاییز سال ۱۳۵۵، پس از اینکه سازمان به یک تخلف تشکیلاتی از سوی وی پی برد، و همچنین مخالفت های وی با رهبری سلطه طلب سازمان، در پی چند جلسه مرکزیت به مرگ محکوم شد و توسط "حسین سیاه کلاه" در خانه تکنیکی سازمان در شرق تهران انجام شد. حسین سیاه کلاه با نام مستعار کاظم در اواخر همین سال به اتفاق دو نفر دیگر از سازمان گریختند.

بایستی توجه داشت که تمام این اطلاعات، با جزئیات کمتر در نوشته های رسمی "سازمان مجاهدین خلق ایران (م.ل)"، و همچنین سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر آمده و به هیچ وجه آن گونه که آقای مسعود نقره کار نوشته "هنوز نا روشن" نیست. سازمان پیکار همواره مخالف سکتاریسم و جزمیت تشکیلاتی بوده و همیشه مشوق مبارزه ایدئولوژیک بود. بخاطر پایداری بر این اصل، در بحران درونی در سال ۱۳۶۰ و در پی مبارزه ایدئولوژیک و همچنین ضربات رژیم به خاموشی گرایید. متاسفانه آقای نویسنده به خود زحمت نداده که در اسناد و مدارکی که در اروپا و آمریکا موجود است، جستجو و مطالعه کند. اعلامیه مهر ۱۳۵۷، در سایت "اندیشه و پیکار" وجود دارد و خواندن آن وقت چندان نمی برد. امیدوارم آقای نقره کار و سایر محققین محترم در بازگویی تاریخ، صادقانه و با شجاعت به آن بپردازند و نسل جوان را رهنمون دنیایی بهتر و زیباتر گردند. یاد همه شهیدان و مبارزان آزادی و سوسیالیسم گرامی باد.

پانویس:

- ۱- بخشی از تاریخ جنبش روشنفکری ایران، (دوره ۵ جلدی)، مسعود نقره کار، سوئد: نشر باران،
- ۲- نبرد و مسئله انشعاب، سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، تیر ماه ۱۳۵۹، ص ۱۱۱.
- ۳- <http://www.peykarandees.org/PeykarArchive/etelayeh-1357.html>
- ۴- این کتاب بزودی در سایت "پیکار و اندیشه"، باز انتشار می یابد.
- ۵- اطلاعیه بخش مارکسیستی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران، مهرماه ۱۳۵۷، همچنین به پانویس دوم مراجعه کنید.
- ۶- روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۷ اردیبهشت، ۱۳۵۷، شماره ۱۵۵۹۵، ص یک و ۲۵.
- ۷- روزنامه کیهان، دوشنبه ۳۰ تیرماه ۱۳۵۹، شماره ۱۱۰۵۰، ص ۱۳.